

Journal of Islamic Human Rights

Volum 2, Consecutive Number 1, 2024

Journal Homepage: <https://islamichumanrights.ir/>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



Feasibility Assessment of the Iranian Government's Litigation Concerning Damages Caused By War-Mines in the War Imposed by Iraq on Iran

Negar Mofakham Naser Eslami¹, Ahmad Momeni Rad^{2*} 

1. University Lecturer Payam Noor University, Bonab, East Azerbaijan Province, Iran.

2. Associate Professor, Tehran University, Tehran, Iran.

momenirad@ut.ac.ir

Abstract

The Iraq-Iran War (1980-1988) was one of the longest and bloodiest wars of the 20th century. This war not only caused great loss of life and property to both countries, but also left long-term effects and consequences. One of the most important of these consequences is the widespread contamination of Iranian soil with war mines. More than three decades after the end of the war, these mines continue to pose a serious threat to the lives and property of the Iranian people and have hindered the economic and social development of the contaminated areas. One of the unfortunate aspects of this war is Iraq's indiscriminate use of anti-personnel mines, which has caused significant loss of life, property, and the environment. This research attempts to assess the feasibility of the Iranian government's lawsuit in international and national courts by examining the legal and political (non-legal) dimensions and whether the Iranian government can, based on the rules of international law, sue Iraq in the International Court of Justice or other competent international authorities in order to compensate the victims for the damages caused by war mines.

Keywords: anti-personnel mines, competent international authorities, human and environmental damages, imposed war, international courts, international responsibility of the state, jurisdiction of domestic

- Mofakham Naser Eslami, N., Momeni Rad, A. (2025). Feasibility Assessment of the Iranian Government's Litigation Concerning Damages Caused By War-Mines in the War Imposed by Iraq on Iran, *Journal of Islamic Human Rights*, 2(1), 1-29.



مجله حقوق بشر اسلامی

دوره دوم - شماره اول - ۱۴۰۴

صفحات ۱-۲۹ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: دریافت ۱۴۰۳/۰۷/۲۷ - پذیرش ۱۴۰۴/۰۸/۰۴ - انتشار ۱۴۰۴/۰۸/۰۹

امکان سنجی دادخواهی دولت ایران در زمینه خسارات ناشی از مین های جنگی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

نگار مفخم ناصر اسلامی^۱، احمد مؤمنی راد^{۲*} 

۱. مدرس دانشگاه، دانشگاه پیام نور بناب، آذربایجان شرقی، ایران.

momenirad@ut.ac.ir

۲. دانشیار دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (۱۹۸۸-۱۹۸۰) یکی از طولانی ترین و خونبارترین جنگ های قرن بیستم به شمار می رود. این جنگ نه تنها خسارات جانی و مالی فراوانی به هر دو کشور وارد کرد، بلکه آثار و تبعات بلندمدتی نیز به جای گذاشت. یکی از مهم ترین آثار و تبعات این جنگ، آلودگی گسترده خاک ایران به مین های جنگی است. این مین ها پس از گذشت بیش از سه دهه از پایان جنگ، همچنان خطری جدی برای جان و مال مردم ایران محسوب می شوند و مانعی بر سر راه توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق آلوده شده اند. یکی از جنبه های ناگوار این جنگ، استفاده بی رویه کشور عراق از مین های ضد نفر است که خسارات جانی، مالی و زیست محیطی قابل توجهی بر جای گذاشته است. این پژوهش می کوشد با بررسی ابعاد حقوقی و سیاسی (/ غیر حقوقی)، امکان سنجی دادخواهی دولت ایران در محاکم بین المللی و ملی را ارزیابی کند و به این پرسش پاسخ دهد که آیا دولت ایران می تواند با استناد به قواعد حقوق بین الملل، از دولت عراق در دیوان بین المللی دادگستری یا سایر مراجع صالح بین المللی به منظور جبران خسارات وارده (ناشی از مین های جنگی نسبت به قربانیان)، شکایت کند یا خیر.

کلیدواژه: جنگ تحمیلی، خسارات انسانی و زیست محیطی، صلاحیت دادگاه های داخلی و بین المللی، مراجع صالح بین المللی، مسئولیت بین المللی دولت، مین ضد نفر.

- مفخم ناصر اسلامی، نگار؛ مؤمنی راد، احمد. (۱۴۰۴). امکان سنجی دادخواهی دولت ایران در زمینه خسارات ناشی از مین های جنگی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، مجله حقوق بشر اسلامی، ۲(۱)، صفحات ۱-۲۹.

مقدمه

مین جنگی، همواره یکی از پرکاربردترین سلاح‌ها در ارتش‌های جهان به شمار می‌آید. استفاده از مین‌های جنگی برای نخستین بار، به جنگ‌های زمینی باز می‌گردد که با گذشت زمان، مین‌های دریایی نیز وارد عرصه شدند. مین جنگی سلاحی است که برای انفجار و فعال شدن، به حضور عامل انسانی نیاز ندارد و با فشار یا عبور مجاورتی هدف مورد حمله، عمل کرده و منفجر می‌شود. کاربرد مین (به ویژه مین‌های ضد نفر) در مخاصمات مسلحانه، منجر به بروز فجایع انسانی می‌شود به بروز خسارات گسترده‌ای به انسان و وسایل نقلیه نظامی انجامیده است. این قبیل فجایع یا سبب مرگ افراد و یا شده منجر به آسیب‌های جبران‌ناپذیر به افراد می‌شود؛ آسیب‌هایی شامل قطع عضو یا از دست رفتن شنوایی و بینایی. بر همین اساس و به واسطه فجایع گسترده ناشی از کاربرد مین‌های جنگی، جامعه بین‌المللی در نیمه دوم جنگ سرد در راستای ممنوع کردن این کاربرد، تلاش‌های فراوانی کرد. از جمله این تلاش‌ها می‌توان به کنوانسیون منع کاربرد، انباشت، تولید و انتقال مین‌های ضد پرسنل و امحای آن‌ها (معروف به کنوانسیون ۱۹۹۷ اتاوا The Ottawa Convention، اشاره کرد. در راستای اقدام فوق، برخی از کشورها نیز به منع این دسته از مین‌های جنگی در نظام‌های داخلی خود پرداختند. با این اوصاف، پاسخ به سه پرسش زیر ضروری به نظر می‌رسد.

- پرسش ۱: آیا حقوق بین‌الملل عرفی کاربرد مین‌های ضد نفر را ممنوع کرده است؟
 - پرسش ۲: استفاده از مین‌های ضد نفر در جنگ هشت‌ساله ایران و عراق طبق قواعد حقوق بین‌الملل (در هنگامه جنگ) چه حکمی داشت؟
 - پرسش ۳: در صورت ممنوعیت کاربرد این مین‌ها در جنگ هشت‌ساله، چه راه‌هایی برای احقاق حق دولت ایران وجود دارد؟
- بر اساس پرسش‌های فوق می‌توان پاسخ‌هایی اجمالی در قالب چند فرضیه به شرح زیر ارائه کرد:

فرضیه ۱: در حال حاضر تعداد زیادی از دولت‌ها (۱۶۴ دولت عضو ملل متحد) عضو کنوانسیون اتاوا هستند. با این وجود، نمی‌توان منع کاربرد مین‌های ضد نفر را یک عرف جهانی دانست. علاوه بر اینکه برخی از دولت‌ها عضو کنوانسیون اتاوا نیستند و برخی نیز از قدرت‌های نظامی جهان‌اند، همچنین تداوم تولید و به کارگیری مین‌های ضد نفر و حق

شرط‌های (رزرو) مشابه و متعدد وارد به کنوانسیون، می‌تواند نشانه ضعف استدلال در تبدیل قاعده به عرف عام باشد.

فرضیه ۲: در بین سال‌های ۱۹۸۸-۱۹۸۰، یعنی زمانی که جنگ ایران و عراق جریان داشت، هنوز یک کنوانسیون بین‌المللی با مضمون ممنوع کردن مین‌های ضد نفر وجود نداشت. به طور خاص نیز، رویه دولت‌های ایران و عراق بر این مسئله مبتنی بود که از پیوستن به کنوانسیون اتاوا خودداری کنند. با اینکه عراق در سال ۲۰۰۷ به این کنوانسیون پیوست، اما ایران با وجود اعلام توقف تولید مین‌های ضد نفر، هنوز به کنوانسیون اتاوا نپیوسته است.

فرضیه ۳: از آنجا که در هنگام کاربرد مین‌های یادشده در جنگ ایران و عراق حقوق بین‌الملل ممنوعیت عامی را مقرر نکرده بود و فقط برخی محدودیت‌های کلی وجود داشت، نمی‌توان قواعد لازم‌الاجرای را در آن زمان شناسایی کرد که صرفاً به دلیل ممنوعیت استفاده از مین، عراق را ناقض قواعد حقوق بین‌الملل محسوب کند. در عین حال، این امکان وجود دارد که قواعد عام حقوق بین‌الملل در رابطه با به‌کارگیری تسلیحات، ظرفیت پیگیری‌های حقوقی لازم را داشته باشد.

۱. تعریف مین و انواع آن

مین نوعی از مهمات انفجاری است که در زیر زمین یا در سطح آن کارگذاری و به محض تماس، حضور یا مجاورت شخص یا وسیله نقلیه، منفجر و آسیب‌هایی از جمله جراحت یا مرگ و نیز تخریب وسیله نقلیه از خود برجای می‌گذارد (<https://www.gichd.org/en/explosive-ordance>). از حیث سازوکار انفجار نیز، می‌توان مین‌ها را به انواع «حساس به برخورد» و «حساس به مجاورت یا حضور»، تقسیم‌بندی کرد. همچنین، ممکن است یک مین هوشمند باشد؛ به این معنی که با توجه به نحوه طراحی و تنظیم حس‌گرهایی که دارد، تنها نسبت به هدفی خاص عمل کند. افزون بر این، می‌توان مین‌ها را براساس نحوه انفجار به «فشاری» و «مجاورتی» تقسیم‌بندی کرد. مین‌های فشاری برای انفجار نیاز به برخورد با هدف دارند. این مین‌ها طراحی‌شان قدیمی‌تر است و اساساً فاقد ساختار تفکیک بین اهداف برخوردکننده‌اند. برعکس، مین‌های مجاورتی، دارای حس‌گرها و فیوزهایی هستند که تنها در حالت مجاورت و گاه در مجاورت با هدفی خاص، آن‌ها را

منفجر می‌کنند. برخی از مین‌ها به «مین‌های جهشی» معروف‌اند؛ بدین صورت که پس از عمل کردن سازوکار درونی مین، چاشنی انفجاری به بالا پرتاب شده و منفجر می‌شود. دسته‌ای از مین‌ها حاوی تعداد فراوانی ترکش هستند که پس از عمل کردن، ترکش‌ها به اهداف اصابت می‌کنند. گفتنی است مین‌های «جهشی» و «ترکش‌دار» را باید از انواع مین‌های ضد نفر به حساب آورد. تقسیم‌بندی دیگر، تقسیم‌بندی مین‌ها به «مین‌های ضد نفر (ضد پرسنل)»، «مین‌های ضد وسایل نقلیه (از جمله مین‌های ضد تانک)» و «مین‌های دریایی» است. همچنین، می‌توان از یک روش جدیدتر برای کارگذاری مین‌ها نام برد: «مین‌های هواپرتاب». نحوه کارکرد «مین‌های هواپرتاب» بدین صورت است که بالگرد یا هواپیمای حاوی مین، در محدوده خاصی از سرعت و در ارتفاع پایین حرکت کرده و سپس محفظه‌های حاوی مین را رها می‌کند. این محفظه‌ها به یک چتر مجهزند که سرعت سقوط و محل نسبی حرکت آن‌ها را کنترل می‌کند. پس از آن، محفظه، مین‌های داخلی را در مناطق مشخصی رها کرده و سازوکار درونی مین‌ها به فعالیت می‌افتد.

به هر روی، پس از پایان جنگ تحمیلی، مناطق اشغالی توسط رژیم بعثی عراق و مناطق مرزی کشورمان آلوده به مین و مهمات منفجر نشده، باقی ماند. وسعت آلودگی گستره‌ای معادل ۴/۲ میلیون هکتار (با تراکمی بالغ بر ۱۶ میلیون مین) را شامل می‌شود (Soroush & et. al. 2006: 1-10). در مورد تنوع مین‌ها هم می‌توان به این مسئله اشاره کرد که حدود ۳۰ نوع مختلف مین توسط ارتش عراق در ایران استفاده شده است. این مین‌ها شامل «مین‌های ضد نفر» (Anti-Personnel Mines)، «ضد تانک» (Anti-Tank Mines) و «مین‌های جهت‌دار» (Directional Mines) می‌شوند. در طول جنگ، عراق از سوی برخی کشورها (مانند شوروی، فرانسه و ایتالیا) کمک‌هایی نظامی دریافت می‌کرد که برخی از این کمک‌ها، شامل «مین‌های جنگی» نیز می‌شد (درودیان، ۱۳۹۵: ۴۷۶).

باری، برخی از رایج‌ترین انواع مین‌ها عبارت‌اند از: (۱) مین صوتی (Acoustic Mine) که با امواج منتشرشده از هدف منفجر می‌شود؛ (۲) مین ضد هواپرد (Anti-Aircraft Mine) که در محل‌های احتمالی پیداشدن نیروهای هواپرد کار گذاشته می‌شود؛ (۳) مین ضد نفر (Anti-Personnel Mine) که برای وارد کردن تلفات و ضایعات به افراد پیاده و ناتوان کردن آن‌ها به کار می‌رود؛ (۴) مین ضد تانک که تانک را از حرکت باز می‌دارد و/یا باعث انهدام آن می‌شود؛ (۵) مین دورفرمان (Controlled Mine) که از راه دور هدایت

و منفجر می‌شود؛ (۶) مین آموزشی (Training Mine) که مانند مین جنگی است و ماده منفجره ندارد؛ (۷) مین شیمیایی (Chemical Mine) که دارای مواد شیمیایی سمی برای کشتن افراد یا از کار انداختن یا آلوده کردن وسایل و زمین است؛ (۸) مین کف‌نشین (Bottom Mine) که پس از رها شدن از ناو یا زیردریایی یا هواپیما، در کف دریا قرار می‌گیرد و حس‌گرهای عمل‌کننده از نوع مغناطیسی و آوایی و فشاری دارد و برای نابودی شناور سطحی و زیرسطحی به کار می‌رود؛ (۹) مین جهنده ضد نفر (Bounding Mine) که نوعی مین ضد نفر با خرج کوچک که بدنه مین را به هوا پرتاب کند و در بلندی ۳ یا ۴ سانتی‌متر منفجر می‌شود و تکه‌های آن در همه جهات پرتاب می‌شود؛ (۱۰) مین تأخیری (Delayed Action Mine) که مدتی پس از تحریک شدن منفجر می‌شود و اغلب پشت سر نیروهای عقب‌نشینی‌کننده و برای به ستوه آوردن و انهدام نیروهای تعقیب‌کننده دشمن به کار می‌رود؛ (۱۱) مین تمرینی (Drill Mine) که گونه‌ای مین آموزشی است و از نظر اندازه و شکل و وزن، مانند مین جنگی بوده و برای تمرین‌های لجستیکی به کار می‌رود؛ (۱۲) مین مشقی (Practice Mine) و آن نوعی مین آموزشی است که از نظر اندازه و شکل و وزن، مشابه مین جنگی است و ماسوره آن مقدار کمی ماده منفجره‌گندشکن یا دودزا دارد؛ (۱۳) مین بی‌اثر (Inert Mine) که گونه‌ای مین آموزشی به شمار می‌آید و از نظر اندازه و شکل و وزن، مانند مین جنگی است، اما همه مواد منفجره و آتش‌زای آن بی‌اثر است؛ (۱۴) مین فوگاز (Flame Fougasse) نیز نوعی مین است که به جای مواد منفجره، در آن از بنزین استفاده می‌شود. این مورد در جنگ باعث نابودی فرد فعال‌کننده مین و لورفتن موقعیت بقیه گروه می‌شود؛ (۱۵) مین کلیمور (Claymore Mine) که نوعی مین ضد نفر است. کاربرد این نوع از مین برای موارد جنگ‌های شهری است. این مین از نوع لیزری یا صوتی بوده و در صورت فعال شدن، تکه‌های ضایعات آهن را پرتاب می‌کند؛ (۱۶) مین مهارشده (Moored Mine) نیز با استفاده از لنگر به کف دریا (در مناطق حساس دریا) مهار می‌شود. این مین در ژرفای متناسب با آب‌خور کشتی‌ها غوطه‌ور است و با برخورد بدنه کشتی به آن، منفجر می‌شود و (۱۷) مین پخشی (Fragmentation Mine) نیز نوعی مین است که هواپیما یا بالگرد یا توپخانه یا خودروها آن را پخش می‌کنند و در زیر خاک قرار داده نمی‌شود (سروش و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۳۲).

بر اساس گزارش سال ۲۰۱۰ از سوی «کمپین نظارت بر مین‌های زمینی» ۱۲ کشور از جمله چین، کوبا، هند، ایران، میانمار، کره شمالی، کره جنوبی، پاکستان، روسیه، سنگاپور، ایالات متحد و ویتنام، همچنان تولیدکننده مین ضد نفرند. البته کشورهای چین، آمریکا، ویتنام و ایران اعلام کرده‌اند که در حال حاضر در حال تولید مین ضد نفر نیستند (wikipedia).

با این حال، باید دید چه قواعد بین‌المللی‌ای در خصوص مین‌های جنگی وجود دارد. نخستین مسئله این است که می‌بایست قواعد موجود در معاهدات بین‌المللی را شناخت. از این‌رو، بر اساس قسمت اول بند چهارم ماده (۵۱) پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در سال ۱۹۷۷، در اکتبر ۱۹۸۰ کنوانسیون ممنوعیت یا محدودیت‌های استفاده از سلاح‌های متعارف خاص (CCW) که ممکن است بیش از حد مضر یا دارای اثرات غیرمجاز باشند، در کنفرانس ملل متحد در ژنو پذیرفته شد. پروتکل دوم این کنوانسیون، محدودیت‌هایی بر استفاده از مین‌های زمینی ضد نفر وضع نمود. این کنوانسیون به مین‌های ضد نفر اشاره می‌کند. در نتیجه، مین‌های دریایی - که اساساً شناورها را هدف قرار می‌دهند - خارج از موضوع کنوانسیون‌اند. از آنجا که مین‌های ضد نفر موردنظر است، تفاوتی ندارد که مین به روش هواپرتاب یا غیر آن کارگذاری شده باشد. دولت‌های عضو کنوانسیون، وفق ماده (۹) این کنوانسیون، مکلف به تصویب قوانین ملی و تکمیل اقدامات اداری و انضباطی برای منع فعالیت‌های مربوط به مین ضد نفر شده‌اند. رویه دولت‌ها حاکی از بروز یک عرف عام است که استفاده از این مین‌ها را ممنوع تلقی می‌کند. با این حال، نباید در تعمیم این عرف به عرف جهانی خوش‌بین بود. پاره‌ای از قدرت‌های نظامی، مانند جمهوری خلق چین، فدراسیون روسیه و ایالات متحد آمریکا، از پیوستن به این کنوانسیون خودداری کرده‌اند. دولت‌های دیگر نیز، از جمله ایران، علی‌رغم عدم عضویت در کنوانسیون، صرفاً اعلام کرده‌اند که دیگر مین‌های ضد نفر را تولید نمی‌کنند. در این رابطه، ایران دلیل عمده خود برای نپیوستن به کنوانسیون را محافظت از مرزهای زمینی کشور و پیشگیری از ورود شبه نظامیان و گروه‌های مسلح معارض به خاک کشور عنوان کرده است (Main Ban Policy – Iran, 2020 on <https://the-monitor.org/country-profile/iran/mine-ban-policy?year=2023>). این دسته از مین‌ها در صورتی که به مرگ آنی سربازان منجر نشود، با قطع عضو و تخریب بخش‌های

گسترده‌ای از بافت بدن آن‌ها، رنج زائدالوصفی را برای‌شان به وجود می‌آورد. همچنین، این‌دسته از مین‌ها فاقد این قابلیت‌اند که میان افراد نظامی و غیر نظامی، قادر به تشخیص باشند. مین‌های ضد نفر - اعم از آنکه به شکل مجاورتی یا تماسی عمل کنند - هم افراد نظامی و هم افراد غیر نظامی را هدف قرار می‌دهند. در نتیجه، اصل تفکیک نیز منبع دیگری برای منع مین‌های ضد نفر است. در اواخر سال ۲۰۰۱، دولت‌های طرف کنوانسیون برخی سلاح‌های متعارف در خصوص مذاکره برای یک پروتکل جدید در مورد بقایای انفجاری جنگ به توافق رسیدند (UN Doc. CCW/CONF, 2001.II/2)؛ پروتکلی که سرانجام در نوامبر ۲۰۰۳ به عنوان پنجمین پروتکل مربوط به کنوانسیون برخی سلاح‌های متعارف به تصویب رسید (Protocol on Explosive Remnant of War, 2003: Protocol V). مباحث مطروحه ذیل این کنوانسیون، به دلیل خطرات ناشی از ریزمهمات منفجرنشده مربوط به سایر انواع بقایای منفجرنشده جنگ، فرصتی را در اختیار بازیگران مسائل بشردوستانه برای جلب توجه طرف‌های کنوانسیون مزبور و به طور کل جامعه بین‌المللی نسبت به آثار سلاح‌های خوشه‌ای بر غیر نظامیان پس از خاتمه جنگ و در زمان استفاده از آن‌ها قرار داد؛ به ویژه زمانی که این‌گونه سلاح‌ها در فاصله سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۲ در افغانستان (HRW, 2002: No. 7) و در سال ۲۰۰۳ در عراق (HRW, Off Target report, 2003: par. 2) مورد استفاده واقع شدند.

۲. خسارات ناشی از مین‌های جنگی در ایران در طول جنگ تحمیلی (۱۹۸۸-۱۹۸۰)
جنگ تحمیلی هشت‌ساله عراق علیه ایران که در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد، دوره‌ای مهم در تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود. علت آغاز جنگ عراق علیه ایران اختلافات ریشه‌دار تاریخی دو کشور نبود، بلکه عراق برای جنگ و حمله به ایران اهداف بزرگتری را دنبال می‌کرد. عراق قصد رهبری و زعامت بر اعراب و تسلط بر خلیج فارس را در سر داشت. امضای قرارداد الجزایر در زمان محمدرضا شاه و نیز تحمیل جنگ پس از پیروزی انقلاب با هدف رفع این مانع بزرگ و زمینه‌سازی برای دستیابی به هدفی بزرگتر، یعنی رهبری اعراب، همراه بوده است (ولایتی، ۱۳۷۶: ۵۰۴). جنگ تحمیلی عراق، به صحنه‌ای برای استفاده گسترده از مین‌های جنگی بدل شد. ارتش این کشور به طور گسترده و با استفاده از انواع مختلف مین، مناطق وسیعی از خاک ایران را آلوده کرد. در

واقع، در مقطع زمانی مابین سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۵۹ بر اثر جنگ، بخش وسیعی از مناطق مسکونی، کشاورزی، صنعتی و مراعات در پنج استان خوزستان، کردستان، کرمانشاه، اسلام و آذربایجان غربی (هم‌مرز با کشور عراق) آلوده به مین و مواد منفجره شدند و بنا به دلایل پرشماری از جمله آلودگی وسیع بدون طراحی و وجود نقشه میدان مین، پدیده‌های جوی و گسترده‌ی منطقه آلوده، پاکسازی مناطق جنگی فوق را با مشکلات جدی مواجه ساخت و همین امر باعث شده است که ساکنین این مناطق، همواره در معرض خطر باشند و گاه به گاه نیز شاهد حوادثی دلخراش (قربانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۸۸-۱۸۲).

۱-۲. خسارات انسانی

باقی‌ماندن مین‌ها و مهمات منفجر نشده جنگی (Unexploded Ordnance, UXO) در مناطق جنگی، علاوه بر به مخاطره انداختن جان انسان‌ها، مشکلات بسیار دیگری را نیز ایجاد می‌کند. ساکنین مناطق جنگ‌زده با بسیاری از مشکلات اقتصادی، اجتماعی و روانی و ...، روبه‌رو هستند، به طوری که گروه‌های مختلف با وجود این مین‌ها و مواد منفجره در معرض خطر مرگ یا معلولیت قرار دارند (EMA & EJ Waller, 2000: 557-63). بازگشت آوارگان جنگ به مناطقی که پیش از این اشغال شده و نیز شکل‌گیری مجدد جریان یک زندگی اجتماعی نسبتاً به‌سامان در مناطق آلوده، همواره خطر مرگ یا جراحات ناشی از مین‌ها و مهمات عمل‌نکرده را در پی داشته است (RD & MA, 2000: 243-248). مین‌های کار گذاشته‌شده و نیز مهمات عمل‌نکرده، سالیان سال است که مشکلات فراوانی را به بار آورده و هر ساله جان تعدادی از افراد غیر نظامی را می‌گیرد. در همین رابطه، آمارها نشان می‌دهد که بیش از ۱۰۰ میلیون مین در ۷۰ کشور دنیا کار گذاشته شده‌اند. حدود ۱۶ الی ۲۵ میلیون مین در طی جنگ تحمیلی عراق علیه کشورمان، در مناطق غربی، به کار گرفته شده است (فخرائیان و طاهری، ۱۳۸۷: ۶۷). همچنین، دست کم ۳۰۰ هزار نفر در اثر مین‌های ضد نفر، دچار قطعی عضو شده‌اند که از میان آن‌ها ۵۰ درصد افراد غیر نظامی‌اند. از سوی دیگر، سالانه تعداد زیادی از افراد وابسته به سازمان‌های نظامی و غیر نظامی که درگیر پاکسازی این مناطق هستند، کشته یا دچار نقص عضو می‌شوند (Garvin & Husbands, 1997: 20-22 November). در واقع، مین‌های زمینی نخستین‌بار در جنگ داخلی آمریکا به کار گرفته شد. پس از آن، در جنگ جهانی اول و دوم به شکل گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفت.

از میان کشورهای عمده سازنده مین می‌توان به کشورهای چین، چک، ایتالیا، انگلستان، روسیه، فرانسه و آمریکا اشاره کرد (ثقفی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۳: ۳۰۰-۲۹۳).

۲-۲. خسارات اجتماعی و اقتصادی

مین‌ها باعث آلودگی و غیر قابل استفاده شدن زمین‌های کشاورزی زیادی شده و می‌شوند. نتیجه محتوم آن، کاهش تولید محصولات کشاورزی و خسارات اقتصادی برای کشاورزان است. همچنین، مین‌ها باعث تخریب زیرساخت‌های حیاتی، مانند جاده‌ها، پل‌ها و شبکه‌های برق و آب شده‌اند که این مسئله، نیازمند صرف هزینه‌های گزاف برای بازسازی آن‌هاست. «قربانیان مین عموماً پس از بهبودی نیز به واسطه ناتوانی، در معرض تبعیض قرار می‌گیرند، زیرا بهبودی و توانمندی کامل از جمله ضروریات زیست در یک حیات اقتصادی در کشورهای کمتر توسعه یافته است. در جوامع کشاورزی، که با حداقل منابع زندگی سپری می‌شود، افراد معلول یا ناتوان اغلب باری بر روی دوش دیگران و جامعه به شمار می‌آیند» (Stover E, 1994: 331).

اگر قربانی نان‌آور خانواده باشد، بازماندگان خانواده با مشکلات اقتصادی و معیشتی دسته‌وپنجه نرم می‌کنند. در برخی کشورها افرادی که دچار قطع عضو شده‌اند، از امکان ازدواج محروم‌اند (Stover, 1991: 70). یک مطالعه در زمینه عوارض اجتماعی مین در افغانستان، بوسنی، کامبوج و موزامبیک نشان می‌دهد که بین ۲۵ تا ۸۷ درصد فعالیت‌های خانواده، تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در این مطالعه ۶ درصد خانواده‌ها دست کم یکی از اعضای خود را بر اثر مین، از دست داده‌اند (Henigsberg & etls, 1997: 202-206). در میان کشورها، عموماً کشورهای در حال توسعه (که اکثر مردم این کشورها، کشاورز، گله‌دار یا آواره‌اند) بیشترین قربانیان را دارند. بر همین اساس، مین به طور مستقیم در فعالیت فیزیکی آن‌ها تأثیر می‌گذارد و از آنجا که در این جوامع، هر فرد دارای نقش مهمی در بقای خانواده است، عدم سلامت یا ناتوانی یک فرد به واسطه سانحه مین می‌تواند کل شرایط زندگی یک خانواده را در محاق تهدید بکشد؛ به طوری که یک مطالعه نشان داده است که ۴۰ درصد خانوارهای دارای قربانی مین، حتی در تأمین غذای خانواده خود دارای مشکل‌اند (Andersson & etls, 1995: 718). وجود مین در نواحی کشاورزی نه تنها بر روی اقتصاد آن ناحیه از جهت تأمین غذا تأثیر می‌گذارد، بلکه دارای آثاری کلان بر روی اقتصادی آن

کشور است (Doswald-Beck & etls report, 1995: ICRC Fact Sheet 1-01). به عنوان مثال، در کامبوج و افغانستان ۳۵ درصد زمین‌ها غیر قابل استفاده‌اند (Coupland, 1997: 1-37). طبق مطالعه‌ای انجام‌شده در ۴ کشور افغانستان، موزامبیک، بوسنی و کامبوج، آمارها نشان می‌دهد که حدود ۵۴۵۵۴ حیوان به علت مین از بین رفته‌اند که این میزان به ازای هر خانوار دست‌کم ۲۰۰ دلار خسارت مالی به شمار می‌آید. علاوه بر این، هزینه توانبخشی و درمان و بار فیزیکی قربانی/ قربانیان مین به خسارات دیگر اضافه می‌شود. درمان هر قربانی مین به طور متوسط ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ دلار هزینه و درمان همه قربانیان، ۷۵۰ میلیون دلار هزینه دارد (Esam & etls, 2000: 557-563). پس از وقوع جنگ تورسم نیز به عنوان یکی از عوامل تقویت‌کننده اقتصاد هر کشور، به واسطه وجود مین شدیداً تأثیر می‌پذیرد (Nicolas & etls, 2003: 81). همچنین، در کشور ما وجود مین‌های زمینی در استان‌های غربی علاوه بر آثار زیان‌بار اقتصادی ناشی از صدمه به زمین‌های کشاورزی، منجر به ایجاد معضلاتی در رابطه با حفاری جهت استخراج نفت در استان‌های خوزستان و ایلام شده است (The online version of landmine Monitor Report, 2005: 725).

۳. نقش سازمان ملل متحد در مبارزه با مین‌های جنگی و عملیات اقدام علیه مین

سازمان ملل متحد (UN) نقش بسیار مهمی در مبارزه با مین‌های جنگی در سطح جهانی ایفا می‌کند و از ایران نیز در زمینه مین‌روبی و کمک به قربانیان مین حمایت‌های مختلفی کرده است. سرویس عملیات مین سازمان ملل متحد (UNMAS) به عنوان بخشی از دپارتمان عملیات حفاظت صلح (DPKO) و نقطه کانونی عملیات مین در ساختار سازمان ملل متحد محسوب می‌گردد. این دپارتمان می‌کوشد این اطمینان را به دست آورد که مؤثرترین، پیشگیرانه‌ترین و هماهنگ‌ترین پاسخ سازمان ملل متحد به آلودگی مین‌های زمینی در سطح جهان - از طریق همکاری با سایر دپارتمان‌های سازمان ملل متحد، آژانس‌ها و صندوق‌ها و برنامه‌ها - داده شود (United Nations Mine Action Service, UNMAS). استانداردهای بین‌المللی عملیات مین به همت و همکاری مرکز مین‌زدایی بشردوستانه ژنو (GICHD) منتشر می‌گردد. کار آماده‌سازی، تجدیدنظر و تجدید چاپ استانداردهای بین‌المللی عملیات مین (IMAS) به وسیله کمیته‌های فنی، با پشتیبانی سازمان‌های بین‌المللی، دولتی و

غیر دولتی (NGO) صورت می‌پذیرد (www.mineactionstandards.org). در این میان، اقدامات علیه مین سازمان ملل متحد شامل برخی نهادها می‌شود که از جمله آن‌هاست دفتر اقدام علیه مین ([UNMAS, https://www.unmas.org/](https://www.unmas.org/))، اداره عملیات حفظ صلح ملل متحد (United Nations (DPKO) Department of Peacekeeping Operations)، اداره امور خلع سلاح ملل متحد (UNDDA, United Nations Department for Disarmament Affairs)، برنامه عمران ملل متحد (UNDP, United Nations Development Programme (Mine Action)، دفتر خدمات طرح ملل متحد (UNOPS United Nations Office for Project Services, UNOPS)، صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف) (UNICEF, United Nations Children's Fund). در همین راستا، نهادهای زیر نیز از اقدامات علیه مین ملل متحد حمایت به عمل می‌آورند:

برنامه جهانی غذا (WFP) و سازمان جهانی بهداشت WHO (<https://www.who.int/>)، بانک جهانی (World Bank)، کمیساریای عالی ملل متحد برای حقوق بشر (WBG action)، OHCHR (<https://www.ohchr.org/en/issues/mines>)، سازمان خواربار و کشاورزی FAO (<https://www.fao.org/>)، دفتر هماهنگی امور بشردوستانه OCHA (<https://www.unocha.org/topics/mine-action>)، دفتر کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان UNHCR (<https://unhcr.org/mine-action.html>)، مرکز بین‌المللی مین‌زدایی بشردوستانه ژنو GICHD (<https://www.gichd.org/en/about-us>) و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC).

در این بین، کمک‌های پزشکی و توانبخشی به قربانیان مین و سایر سلاح‌های منفجره، کمک‌های پزشکی فوری، جراحی، توانبخشی (از جمله تهیه پروتز و وسایل کمکی) و حمایت روانی - اجتماعی، از سوی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ارائه می‌شود. حمایت مالی و اجتماعی به خانواده‌های قربانیان مین نیز از دیگر وظایف صلیب سرخ است تا این خانواده‌ها بتوانند نیازهای اولیه خود را تأمین کنند. حمایت پیش‌گفته شامل ارائه تجهیزات، آموزش نیروهای مین‌زدا و نیز ارائه مشاوره تخصصی است. افزون بر این‌ها، این کمیته به ترویج کنوانسیون ممنوعیت مین‌های ضد نفر (اتاوا) و سایر معاهدات مربوط به سلاح‌های

منفجره کمک می‌کند. به نیروهای نظامی در مورد قوانین IHL مربوط به استفاده از مین و سایر سلاح‌های منفجره آموزش می‌دهد و به عنوان یک نهاد بی‌طرف، زمینه را برای گفتگو بین طرف‌های درگیر در مناقشات مسلحانه در مورد مسائل مربوط به مین و مین‌زدایی فراهم می‌کند. همچنین، داده‌های مربوط به قربانیان مین، مناطق آلوده به مین و فعالیت‌های مین‌زدایی را جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌کند. این داده‌ها برای برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های مین‌زدایی و کمک به قربانیان مین بسیار مهم‌اند (<https://www.icrc.org/>).

۴. مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

پذیرش قطعنامه ۵۸۹ از سوی ایران، هرچند پایان مخاصمه مسلحانه بین دولت‌های ایران و عراق بود، اما برای بسیاری از مردم ایران (به ویژه در مناطق مرزی کشور)، به مثابه پایان جنگ نبود. دست‌وپنجه نرم کردن هر روزه مردم این مناطق با مین‌های کاشته‌شده توسط عراق در طول جنگ تحمیلی، کمتر از مصائب زمان جنگ نبود. از این رو، الزام حقوقی دولت عراق به اعلام مناطق مین‌گذاری‌شده در طول جنگ با ایران و پاکسازی آن‌ها از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت و مردم ایران است. پس از الحاق دولت عراق به پروتکل دوم کنوانسیون منع یا محدودیت استفاده از سلاح‌های متعارف خاص که به شدت آسیب‌رسان فرض شده یا آثار کورکوران‌ه دارند و نیز کنوانسیون اتاوا، راهی برای الزام دولت عراق به پاکسازی میادین مین ایران بیش از پیش مهیا کرده است (قریشی و نیاورانی، ۱۴۰۱: ۲).

۵. امکان دریافت غرامت و خسارات اشخاص در جنگ ایران و عراق

در این بخش از نوشته پرسش این است که اگر یک شخص که در جنگ ایران و عراق شرکت داشته و در اثر استعمال سلاح‌های شیمیایی یا مین‌های انفجاری و ضد نفر دچار آسیب غیر قابل جبران و غیر قابل درمان شده باشد، آیا با توجه به مقصر شناخته‌شدن دولت عراق و براساس کنوانسیون منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی، این شخص می‌تواند از دولت فعلی عراق خسارت و غرامت آسیب‌های وارده را مطالبه کند؟ در فرض مثبت بودن پاسخ، پرسش دیگر این است که این شخص دعوی خود را باید در کدام مرجع بین‌المللی اقامه کند؟ آیا این شکایت باید به صورت فردی اقامه شود یا از طریق مجامع بین‌المللی و

دولت‌ها؟ آیا می‌توان از دولت فعلی عراق بابت صدمات وارده در جنگ گرامت گرفت؟ در پاسخ به این دست از پرسش‌ها باید گفت که، به طور کلی، طبق قوانین و مقررات بین‌المللی، جبران خسارت در ۵ حالت متصور است: (۱) اعاده وضع به حالت سابق، (۲) پرداخت گرامت، (۳) توانبخشی، (۴) جلب رضایت و (۵) تضمین عدم تکرار. پرداخت گرامت جنگی یکی از رایج‌ترین شیوه‌های جبران خسارات جنگی است و کشوری که مسئول شروع یک جنگ نامشروع از منظر حقوق بین‌الملل است می‌باید بر اساس قواعد بین‌المللی، خسارات ناشی از جنگ را جبران نماید. نکته مهم و قابل توجه این است که با توجه به عهدنامه ورسای و اصل دوام کشورها، تغییر حکومت / رژیم سیاسی به معنای رفع مسئولیت دولت‌ها نیست و حکومت جدید باید از منابع و ذخیره‌های مالی تا حد نیاز به جبران خسارات وارده توسط حکومت قبلی بپردازد. همچنین، باید به این نکته توجه داشت که پس از پایان جنگ ایران و عراق مطابق بندهای ۶، ۷ و ۸ قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد و ارائه گزارش کارشناسان سازمان یادشده، دولت عراق ملزم شد تا مبلغ ۲۵۰ میلیارد دلار را به عنوان گرامت به دولت ایران پرداخت نموده و خسارات جنگی واردشده بر افراد جامعه نیز از این طریق پرداخت گردد، اما بنا به دلایلی این مبلغ هنوز از طرف دولت عراق به دولت ایران پرداخت نگردیده است (ممتاز، ۱۳۷۶: ۸۰-۷۹؛ <https://digitallibrary.un.org/record/>). هرچند به دلیل مقصر شناخته شدن دولت عراق، به ویژه در بحث استفاده از سلاح‌های شیمیایی و مین‌های جنگی، راه‌های قانونی برای شکایت علیه دولت عراق و مطالبه خسارات وارد شده به افراد وجود دارد، اما در این موضوع نیاز به حمایت دیپلماتیک است؛ در غیر این صورت، ضمانت اجرایی برای دریافت خسارت وجود نخواهد داشت. «در برخی کشورها مفهوم خسارت محدود به خسارت مالی شده است. به عنوان نمونه، می‌توان قانون مدنی مجارستان و اتحاد جماهیر شوروی سابق را نام برد، ولی در اکثر نظام‌های حقوقی خسارت مفهومی گسترده دارد و شامل تمامی خسارات مالی و معنوی می‌شود. از دست دادن مال یا دست نیافتن به آن و، به عبارتی، کاهش یا عدم افزایش مال، خسارت مالی محسوب می‌گردد» (خورشیدوند، ۱۳۹۴: ۶۱). «ویژگی عمده خسارت معنوی، غیر قابل ارزیابی بودن آن به وسیله پول نیست، زیرا برخی خسارات مالی نظیر هزینه بیکاری یا عدم نفع نیز به طور دقیق قابل محاسبه و تقویم به پول نیستند، بلکه این نوع خسارت متوجه شخص و مصالح و منافع و حقوق

مربوط به شخصیت اوست که به طور معمول موضوع داد و ستد و مبادله تجاری و، در نتیجه، ارزیابی مالی قرار نمی گیرد» (Andre, Tunc, 1983: 8-35).

۶. صلاحیت جهانی

جرائم جنگی جزء آن دسته از جرائم بین‌المللی است که اعمال صلاحیت جهانی نسبت به آن‌ها از سوی جامعه بین‌المللی پذیرفته شده است. پذیرش صلاحیت جهانی در جرائم جنگی به مراجع قضایی کشور اجازه می‌دهد قوانین کیفری ایران را درباره جرائم ارتكابی بیگانگان در خارج از قلمرو حاکمیت ایران، بدون آنکه مغایرت با منافع ملی موجبی برای این صلاحیت داشته باشد، اعمال شود (حکیمی‌ها و ضیایی، ۱۳۹۲: ۱۵۳). طبق این اصل، بعضی از جرائم بین‌المللی به قدری دارای اهمیت هستند که دولت‌ها ملزم‌اند مرتکبین آن جرائم را، فارغ از ملیتی که دارا هستند یا محل ارتكاب جرم، پای میز عدالت بکشانند. دولت‌ها باید متخلفین را در دادگاه‌های خود محاکمه کنند و یا محاکمه آن‌ها را در مکانی دیگر تسهیل کنند. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری دولت‌هایی که به این معاهده متعهد شده‌اند را ملزم می‌کند که مرتکبین جرائم مندرج در اساسنامه را بازداشت کرده و یا تحت پیگرد قرار داده یا آن‌ها را به کشور اصلی‌شان تسلیم نمایند. نکته مهم در اینجا این است که اعمال صلاحیت جهانی اصولاً به دست دولت‌های قوی‌تر در مقابل دولت‌های ضعیف‌تر است (Rabinovitch, 2004: 523) و به همین دلیل، کشوری مانند ایران بیش از اینکه به فرصت‌های استفاده از این صلاحیت فکر کند، به تهدیدهای صلاحیت جهانی از جانب محاکم خارجی می‌اندیشد. برای مثال، می‌توان به اعمال صلاحیت جهانی دادگاه بلژیک علیه گوباگو در ساحل عاج یا صدام حسین در عراق اشاره کرد. برخی از حقوق‌دانان، اعمال صلاحیت جهانی از سوی دولت‌های قوی را به «امپریالیسم قضایی» وصف کرده‌اند (شریعت‌باقری، ۱۳۸۲: ۱۰۰). در واقع، «از نظر داخلی، اعمال صلاحیت کیفری نسبت به جنایات بین‌المللی ابزار مهمی در تقویت و تحکیم حاکمیت ملی به شمار می‌رود و از نظر جهانی نیز حاکی از مسئولیت‌پذیری و تشریک مساعی کشورها در پیشگیری از وقوع شنیع‌ترین جنایات بین‌المللی و پایان دادن به مصونیت مرتکبان آن‌ها خواهد بود» (اردبیلی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۲). «جبران خسارات وارده بر اثر جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ یکی از مباحث همیشگی در فضای سیاسی و حقوقی ایران بوده

است. در سال‌های پس از جنگ نیز به‌رغم اقداماتی که دبیر کل ملل متحد متعاقب مفاد قطعنامه ۵۹۸ انجام داد، بنا به دلایل مختلفی، بحث جبران خسارت هیچ‌گاه به طور جدی به مثابه اقدام عینی سیاسی یا حقوقی از سوی طرف ایرانی صورت نپذیرفت. به نظر می‌رسد یکی از دلایل این عدم تمایل، آگاهی‌نداشتن از مبنای صلاحیتی لازم برای توسل به راهکار حقوقی قابل اتکایی همچون دیوان بین‌المللی دادگستری بود. این جنگ در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به بهانه نپذیرفتن قرارداد الجزایر ۱۹۷۵ شروع شد. عراق به طور یکجانبه از قرارداد الجزایر و عهدنامه‌های مربوط به مرز مشترک، حسن همجواری، پروتکل‌ها و موافقتنامه‌های منضم به آن عهدنامه‌ها خارج شد. این در حالی بود که ایران و عراق تفاهمنامه‌های متعددی را منعقد کرده بودند؛ از جمله عهدنامه حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی عراق (مصوب ۱۹۳۷) و موافقتنامه تشکیل کمیسیون مشترک وزیران ایران و عراق بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت جمهوری عراق (مصوب ۱۹۷۹). هر دو کشور به موجب این تفاهمنامه‌ها، تعهد به عدم تجاوز به خاک یکدیگر را پذیرفته و، علاوه بر آن، روش‌های حل اختلافات را نیز پیش‌بینی کرده بودند» (عابدینی و بهری خیای، ۱۴۰۱: ۴۰۰-۳۹۹).

۷. روش‌های قضایی و غیرقضایی دادخواهی کیفری و دادگستری در زمینه خسارات ناشی از مین‌های جنگی

۷-۱. روش‌های قضایی دادخواهی کیفری بین‌المللی

درخصوص این روش‌ها، تمامی دولت‌ها اینک به کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو متعهد هستند. طبق این معاهدات، آن‌ها متعهد شده‌اند تا رعایت و اجرای حقوق جنگ را تضمین کنند. این بدان معنا است که تمامی دولت‌ها باید تضمین کنند که قوانین، دستورالعمل‌های نظامی و دیگر مقررات به مواد متعدد کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو قدرت اجرایی می‌دهند که مستلزم انجام تحقیق نسبت به موارد ادعایی ارتکاب جنایات جنگی به دست اتباع دولت‌ها، از جمله اعضای نیروهای مسلح این کشورها و همین‌طور سایر جرایم بین‌المللی واقع شده در مرزهای آن‌ها، می‌شود. همچنین، دولت‌ها باید تضمین کنند که متهمان مطابق با استانداردهای بین‌المللی مورد پیگرد قانونی قرار می‌گیرند. با این وجود، ورای الزام به تعقیب قانونی اتباع خود، دولت‌ها باید تضمین حاصل کنند که اتباع خارجی -

ای که به طور جدی کنوانسیون‌های ژنو یا پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ ژنو را نقض کرده‌اند از مصونیت بهره نبرند و یا، به زبان ساده، از مجازات فرار نکنند (چه در خانه و چه در مأمنی در خارج باشند). در این زمینه، اصل صلاحیت جهانی مطرح می‌شود.

۷-۲. سازوکارهای قضایی کیفری بین‌المللی

در حالی که مسئولیت اصلی جستجو و تحت پیگرد قرار دادن مرتکبین جرایم بین‌المللی با دولت‌هاست، سایر سازوکارهای حقوقی نیز می‌توانند از طریق محاکم بین‌المللی همچون (همچون دادگاه‌های ویژه برای یوگسلاوی سابق و رواندا)، دیوان بین‌المللی کیفری و محاکم و دادگاه‌های مختلط) از جمله برای (تیمور شرقی، سیرالئون و کامبوج)، مورد استفاده واقع شوند. دو محکمه خاص که توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد در واکنش به مخاصماتی خاص ایجاد شدند، عبارت‌اند از: (۱) «دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق که از این صلاحیت برخوردار است که به جرایمی که از ۱۹۹۱ در یوگسلاوی سابق ارتکاب یافته‌اند رسیدگی کند. یکی از این قضایا، قضیه معروف تادیچ می‌باشد» (The Prosecutor v. Duško Tadić, Case No. IT-94-1)، در حالی که (۲) «دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا می‌تواند به جرایم واقع شده در رواندا در ۱۹۹۴ پردازد که یکی از قضایای معروف در این دادگاه، قضیه آکایسو، شهردار شهر تبای روانداست که به اتهام نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت محکوم شد» (The Prosecutor v. Jean-Paul Akayesu, Case No. ICTR-96-4-T, p. 2). این دو دادگاه از طریق پرونده‌های حقوقی ماهیت و محدوده جرم بین‌المللی را تصریح و توجه به اجرای حقوق بین‌المللی بشردوستانه را تقویت کردند. سایر نهادهای قضایی که به جرایم بین‌المللی رسیدگی می‌کنند دادگاه‌ها و محاکم مختلط (Hybrid Courts) هستند. این دادگاه‌ها توسط دولتی که جرایم در آن کشور اتفاق افتاده، با حمایت سازمان ملل متحد برپا می‌شوند. چنین دادگاه‌هایی ابعاد بین‌المللی و ملی (قضات، نظام حقوقی، کارشناسان و غیره) را ترکیب و قواعد حقوق بین‌الملل کیفری را در خصوص ضمانت‌های قضایی، عناصر جرایم بین‌المللی و غیره به کار می‌برند.

۷-۳. دیوان بین‌المللی کیفری

دیوان بین‌المللی کیفری (ICC, International Court of Justice)، با محاکم خاص یا مختلطی که محصول یک قطعنامه سازمان ملل متحد یا توافقی میان دولت‌ها و سازمان ملل متحد هستند، تفاوت دارد. این دیوان از طریق یک معاهده چندجانبه که میان دولت‌ها در ۱۹۹۸ در ژنوا امضا رسید، ایجاد شد. دیوان بین‌المللی کیفری نخستین دیوان دائمی بین‌المللی برای تحت پیگرد قرار دادن اشخاصی است که مسئول ارتکاب شدیدترین جنایات بین‌المللی‌اند. دیوان بین‌المللی کیفری دارای این اختیار است که اشخاص متهم به ارتکاب جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی، که پس از یکم ژوئیه ۲۰۰۲ (تاریخ به اجرا درآمدن اساسنامه دیوان) رخ داده‌اند، را محاکمه کند. این دیوان همچنین اختیار خواهد داشت تا به محض آنکه شرایط اعمال صلاحیت دادگاه مهیا شود، اشخاص متهم به ارتکاب جنایت تجاوز را نیز محاکمه کند.

۷-۴. روش‌های غیرقضایی کیفری بین‌المللی

روش‌های غیرقضایی می‌توانند عملکرد جبرانی، حقیقت‌یابی یا تلفیقی داشته باشند. با انتخاب یک روش غیرقضایی برای رسیدگی به تخلفات، دولت‌ها تصمیم می‌گیرند که قساوت‌ها را شناخته و آن‌ها را تحلیل کنند و بیش از آنکه به مجازات مرتکبین پردازند بر خسارات واردآمده به قربانیان تمرکز می‌کنند. مثال‌های بسیاری از اقدامات انجام‌شده در راستای جبران خسارات و آسیب‌های واردشده به قربانیان جرایم بین‌المللی وجود دارد؛ از جمله زمانی که آلمان تصمیم گرفت تا به بازماندگان اردوگاه‌های آدم‌سوزی نازی و خانواده‌های آن‌ها - که در این اردوگاه‌ها کشته شدند - غرامت مالی پرداخت کند. در شیلی، دولت به اعضای خانواده‌کسانی که در دوران دیکتاتوری آگوستو پینوشه کشته یا مفقود شدند، کمک‌هزینه ماهانه پرداخت می‌کند (Power, 2002: 72; See also: The Prosecutor v. Slobodan Milošević, Case No. IT 0475; The Prosecutor v. Radovan Karadžić, case No. IT-95-5/18; The Prosecutor v. Duško Tadić, Case No. IT-94-1). «در سال ۱۹۹۹، کوفی عنان (دبیر کل سازمان ملل متحد) بابت ناتوانی سازمان متبوع خود در حمایت از مردم یوگسلاوی سابق و رواندا عذرخواهی کرد (https://press.un.org/en/1999/sc6904.doc.htm).

۷-۵. روش‌های قضایی بین‌المللی دادگستری (ارجاع به دیوان بین‌المللی دادگستری)

اختلاف ایران و عراق در خصوص غرامت جنگ، ماهیت حقوقی دارد. به عنوان مثال، جامعه ملل در بند دوم ماده (۱۳) میثاق و دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری در بند دوم ماده (۳۶) اساسنامه، فهرستی از اختلافات حقوقی ارائه کرده و مواردی از قبیل اختلافات ناشی از تفسیر معاهدات، اختلاف ناشی از هر موضوعی از موضوعات حقوق بین‌الملل (مثلاً مصونیت دیپلماتیک)، اختلافات ناشی از واقعیت هر امری که در صورت ثبوت، نقض یک تعهد بین‌المللی محسوب می‌گردد (مثلاً تجاوز)، اختلاف ناشی از نوع و میزان خسارت و غرامتی که باید برای نقض یک تعهد بین‌المللی پرداخت شود (مثلاً غرامت جنگی یا خسارات ناشی از اعمال خلاف حقوق بین‌الملل) (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۰: ۴۵۵-۴۵۴) را از طریق داوری و قضایی قابل حل دانسته‌اند. بنابراین، ایران می‌تواند از طریق رسیدگی قضایی، موضوع دریافت غرامت جنگی از عراق را پیگیری نماید. در چارچوب رسیدگی قضایی، ایران می‌تواند به موجب بند ۱ ماده (۳۴) اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، که اعلام می‌دارد: «فقط دولت‌ها می‌توانند به دیوان رجوع نمایند»، موضوع شکایت خود را به دیوان مذکور ببرد. همچنین، مطابق بند ۱ ماده (۹۳) منشور ملل متحد، تمام اعضای ملل متحد به خودی‌خود قبول‌کنندگان اساسنامه دیوان بین‌المللی‌اند. بر این اساس، ایران می‌تواند در دیوان بین‌المللی دادگستری علیه عراق طرح دعوی نماید. در عین حال باید توجه داشت که «عضویت در اساسنامه یا حق ارجاع به دادگاه، با مسئله صلاحیت متفاوت است، زیرا رسیدگی دادگاه به پرونده موکول به قبول صلاحیت دادگاه از سوی اصحاب دعواست» (مقتدر، ۱۳۸۳: ۱۱۶).

۷-۶. روش‌های غیرقضایی بین‌المللی (راه حل دیپلماتیک - سیاسی)

دایرةالمعارف حقوق بین‌الملل در مورد اصطلاح «جبران خسارت» این تعریف را به دست داده است: «جبران خسارت اصلی است در حقوق بین‌الملل که نقض یک تعهد، الزام و تکلیفی برای جبران و ترمیم خسارت به نحو مقتضی ایجاد می‌کند. بنابراین جبران خسارت که به تبع افعال و کوتاهی از اجرای یک قرارداد به وجود می‌آید، نیازی به تصریح آن در خود قرارداد نیست و رأی دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی به عنوان

یک قاعده کلی در این زمینه قابل اعمال است» (رجب‌پور، ۱۳۸۸: ۴۵). در مجموع می‌توان روش‌های حل و فصل اختلافات بین‌المللی را به دو روش دیپلماتیک (غیرحقوقی) و حقوقی تقسیم کرد. در روش دیپلماتیک، مذاکره، پایدردی (مساعی جمیله)، میانجی‌گری، تحقیق و سازش قرار دارند. اولین و آسان‌ترین روش حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی، مذاکره دیپلماتیک است. ایران می‌تواند بر اساس فصل ششم منشور ملل متحد در خصوص حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، طبق بند ۱ ماده (۳۳) منشور ملل متحد در خصوص دریافت غرامت از عراق، با مقامات عراقی مذاکرات مستقیم دوجانبه انجام دهد. دیپلماسی هنر تحقق پتانسیل‌های بالقوه به امور بالفعل است. در این خصوص، ایران می‌تواند حداقل اقدامات شایسته را در جهت مطالبه این حق انجام دهد. با این همه، در وهله نخست باید این انگیزه و اراده سیاسی در میان مسئولین دستگاه‌های اجرایی برای ستاندن این حق وجود داشته باشد که مسئولین دست‌کم به صورت سالیانه و با ارسال یک یادداشت برای دولت عراق، بحث غرامت جنگی را گوشزد و یا در کنفرانس‌های مشترک به نحوی این مسئله را مطرح و در بیانیه‌های نهایی بگنجانند. در این میان، «شاید یکی از موفق‌ترین تجربه‌های سازمان ملل در حل و فصل دعاوی مربوط به خسارت قربانیان جنایات جنگی، تشکیل کمیسیون غرامت عراق و کویت باشد. این کمیسیون موفق شد در طول ۳۰ سال فعالیت به بیش از ۲/۷۰۰/۰۰۰ دعوی رسیدگی کرده و در مورد ۱/۵۰۰/۰۰۰ دعوی حکم به پرداخت غرامت صادر نماید - که بر مبنای فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد از سوی شورای امنیت ایجاد شد (S/RES/692, 1991). البته این کمیسیون ماهیت قضایی نداشته و بیشتر یک نهاد حل و فصل اختلافات است (موسوی و فراست، ۱۴۰۳: ۹). «از طرفی نیز ممکن است این تصور وجود داشته باشد که در صورت پیگیری این مطلب از سوی ایران، روابط تهران - بغداد به تیرگی گراید. در این خصوص می‌توان به کشور کویت اشاره نمود که در عین داشتن روابط دیپلماتیک با عراق، غرامت خود را در اقصای معین از عراق دریافت می‌نماید» (عیدی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۷۴-۱۵۳). «تشفی صدور قربانیان، تنها از این طریق حاصل نمی‌شود، بلکه [چه بسا] افشای حقایق مربوط به درد و رنج آن‌ها، محاکمه عاملین و مسببین موارد نقض و باقی‌ماندن یاد آن در وجدان عمومی جامعه برای آن‌ها مهم‌تر است» (داعی، ۱۳۸۶: ۱۲۲-۹۱).

نتیجه گیری

براساس آنچه بدان اشاره شد، به نظر می‌رسد نمی‌توان صرفاً براساس کنوانسیون‌های مربوط به منع استفاده از مین به طرح دعوا علیه دولت عراق پرداخت. علاوه بر این، رویه مورد پذیرشی در این باره میان دولت‌ها وجود ندارد که منع استفاده از مین‌های ضد نفر به درجه یک قاعده عرفی رسیده باشد. با این حال، این امکان وجود دارد که قضیه به قضیه، مواردی که شواهد دال بر نقض قواعد عرفی جنگ و اصول مورد تأیید کمیته بین‌المللی صلیب سرخ باشد، بر اساس این قواعد به پیگیری‌های حقوقی پرداخت. در عین حال، می‌توان به استناد چند مورد از مستندات قانونی / حقوقی برای مطالبه غرامت و خسارات ناشی از جنگ از کشور متخاصم، اقدام کرد. یکی از این مستندات، ماده (۲۴) منشور ملل متحد است که به منظور تأمین اقدام سریع و مؤثر از طرف ملل متحد، اعضای آن مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار و موافقت می‌کنند که شورای امنیت در اجرای وظایفی که به موجب این مسئولیت بر عهده دارد، از طرف آن‌ها اقدام نماید. شورای امنیت در اجرای این وظایف برطبق مقاصد و اصول ملل متحد عمل می‌کند؛ این اختیارات در فصول ۶ الی ۸ و ۱۲ بیان شده است. همچنین، مطابق ماده (۳۳) منشور ملل متحد، طرفین هر اختلاف که ادامه آن، متحمل است که حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد، باید قبل از هر چیز از طریق مذاکره، میانجی‌گری، سازش، داوری، رسیدگی قضایی و توسل به مؤسسات یا ترتیبات منطقه‌ای یا سایر روش‌های مسالمت‌آمیز - بنا به انتخاب خود - راه‌حل آن را جستجو نمایند. در این خصوص، مواردی عیناً در ماده (۳۶) اساسنامه دیوان دائمی دادگستری و سلف آن ذکر شده که عبارت‌اند از: (الف) تفسیر یک معاهده؛ (ب) هرگونه مسئله حقوق بین‌الملل؛ (ج) وجود هر واقعیتی که در صورت اثبات، نقض تعهد بین‌المللی باشد؛ (د) ماهیت یا میزان جبران خسارت برای نقض یک تعهد بین‌المللی. از سوی دیگر، سند قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت نیز از کلیه کشورهای دیگر می‌خواهد که از هر اقدامی که منجر به تشدید و گسترش بیشتر منازعه گردد، خودداری کنند و اجرای قطعنامه حاضر را تسهیل کنند. در این قطعنامه از دبیرکل درخواست شده تا از طریق مشورت با ایران و عراق، مسئله ارجاع تحقیق درباره مسئولیت منازعه به هیئت بی‌طرف را بررسی و هرچه زودتر به شورای امنیت گزارش دهد. با تصدیق

ابعاد عظیم خساراتی که در طول منازعه ارائه شده و نیز ضرورت تلاش‌های بازسازی با کمک‌های مناسب بین‌المللی پس از خاتمه منازعه، از دبیرکل درخواست می‌کند که گروهی از کارشناسان را برای بررسی مسئله بازسازی تعیین و به شورای امنیت گزارش کند. همچنین، این قطعنامه از دبیرکل درخواست می‌کند که از طریق مشورت با ایران و عراق و سایر کشورهای منطقه، راه‌های افزایش امنیت و ثبات منطقه را بررسی کند. در قوانین داخلی کشور ما نیز وفق اصل ۳۴ قانون اساسی، دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد. مطالبه غرامات ناشی از جنگ همواره یکی از مطالبات عمومی جامعه‌ای بوده که زیان‌هایی را به واسطه مخاصمات مسلحانه متحمل شده است. معمولاً در این مسیر، دولت‌های متخاصم از طریق انعقاد موافقتنامه صلح، موافقتنامه پرداخت یکجاء، تأسیس صندوق جبران خسارات و انواع دیگر توافقات و سازوکارها، سعی در جبران زیان‌های وارده به قربانیان و زیان‌دیدگان از مخاصمه داشته‌اند؛ مطالبه غرامات ناشی از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز از این امر مستثنا نبوده و نیست. در عین حال، روش‌های مختلف قضایی و غیرقضایی برای دادخواهی در زمینه خسارات ناشی از مین‌های جنگی در جنگ تحمیلی وجود دارند. با تمام این اوصاف، مسئله مرور زمان نیز موضوع دیگری است که باید در راستای دعوای مطروحه در نظر گرفته شود و باید گفت که مطرح کردن مسئله دریافت غرامت، به طور مستمر از سوی کشور ما به خودی خود به منزله عدول نکردن از حق دریافت غرامت تلقی می‌شود.

منابع

- اردبیلی، محمدعلی؛ حبیب‌زاده، محمدباقر و فخر بناب، حسین (۱۳۸۵). «نسل‌کشی و ضرورت جرم‌انگاری آن در حقوق ایران»، *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، دوره ۱۰، شماره ۳.
- ثقفی‌نیا، مسعود؛ مقصودی دماوندی، افشین و همکاران (۱۳۸۳). «بررسی آسیب‌های ناشی از مین‌های خنثی‌نشده ضد نفر و راه‌های کاهش آن»، *مجله طب نظامی*، دوره ۶، شماره ۴.
- حکیمی‌ها، سعید و ضیایی، سید یاسر (۱۳۹۲). «صلاحیت جهانی در جرایم جنگی از منظر حقوق ایران»، *فصلنامه آفاق امنیت*، سال پنجم، شماره ۲۱.

- خورشیدوند، اشرف (۱۳۹۴). روش جبران خسارت زیان‌دیدگان جنگ تحمیلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی دانشکده حقوق، گروه حقوق خصوصی.
- داعی، علی (۱۳۸۶). «مسئولیت بین‌المللی نقض حقوق اسیران جنگی ایرانی در عراق»، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۳۸.
- درودیان، محمد (۱۳۹۵). تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق/ پیش‌درآمدی بر یک نظریه، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس. چاپ اول.
- رجب‌پور، سهیلا (۱۳۸۸). جبران خسارت در پرتو مسئولیت دولت عراق در تجاوز و اشغال جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، دانشکده علوم انسانی، مرکز تهران، گروه حقوق بین‌الملل.
- سروش، احمدرضا؛ زرگر، موسی و همکاران (۱۳۸۵). خسارات انسانی ناشی از انفجار مین، پژوهشکده مهندسی و علوم پزشکی جانبازان، چاپ اول.
- شریعت‌باقری، محمدجواد (۱۳۸۲). «اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرایم سنگین بشری»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۸.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۰). حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: انتشارات گنج دانش. چاپ چهارم.
- عابدینی، عبدالله و بهری خیای، بهمن (۱۴۰۱). «مبانی صلاحیتی دیوان بین‌المللی دادگستری در جبران خسارت از جنگ عراق علیه ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۲.
- عیدی‌پور، علی (۱۳۹۴). «راهکارهای ایران برای دریافت غرامت جنگی از عراق»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال دوازدهم، شماره ۴۶.
- فخرائیان، حسین؛ طاهری، عباس (۱۳۸۷). «روش‌های احتراقی و انفجاری در خنثی‌سازی مین‌ها»، تحقیق و توسعه مواد پیرانتری، سال چهارم، شماره ۲، شماره پیاپی ۷.
- قربانی، احمد؛ عابدی، محمدحسن و همکاران (۱۳۸۸). «اپیدمیولوژی ضایعات و کشته‌شدگان ناشی از مین و مواد انفجاری به جای مانده از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۶ در پنج استان مرزی کشور جمهوری اسلامی ایران»، مجله علمی پزشکی قانونی، شماره ۳.
- قریشی، سیدرسول و نیاورانی، صایر (۱۴۰۱). «تعهدات دولت عراق در خصوص مناطق مین‌گذاری شده ایران در جنگ تحمیلی»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۲، شماره ۱.

- مقتدر، هوشنگ (۱۳۸۳). *حقوق بین‌الملل عمومی*. انتشارات مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه. چاپ نهم.
- ممتاز، جمشید (۱۳۷۶). *مذاکرات ایران و عراق به منظور اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت*، در جمشید ممتاز (با همکاری امیرحسین رنجبریان). *ایران و حقوق بین‌الملل*، تهران: دادگستر.
- موسوی، امیرحسین و فراست، حلیه (۱۴۰۳). *راهکارها و دریافت غرامت از دولت عراق برای جنگ هشت ساله*. هجدهمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران. تهران.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۷۶). *تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. چاپ اول.

References

- (CCW) Convention on Prohibitions or Restrictions on the Use of Certain Conventional Weapons Which May Be Deemed to Be Excessively Injurious or to Have Indiscriminate Effects.
- Andersson N, Palha-be-Sousa C, Paredes S. Social Cost of Landmines in four Countries: Afghanistan, Bosnia, Cambodia, and Mozambique. *BMJ* 1995; 311: 718-721.
- Andre, Tunc (1983), *International Encyclopedia of comparative law*, V. 11.2, Ch. 8-35.
- Convention on the Prohibition of the Use, Stockpiling, Production and Transfer of Anti-Personal Mines and on their Destruction (concluded 18 September 1997, opened for signature 3December 1997, entered into force 1 March 1999) 2056UNTS 211 (Ottawa Treaty) art 2; Types of landmines, Geneva International Center for Humanitarian Demining <https://www.gichd.org/en/explosive-ordance/type-of-landmines/> [accessed 5May 2023].
- Coupland RM. Assistance for victims of anti-personnel mines: needs, Constraints and Strategy. Geneva: International Committee of the Red Cross; 1997. P. 1-30.
- Doswald-Beck L, Herby P, Dorais-Slakmon J: Basic facts: the human cost of landmines. Geneva: International Committee of the Red Cross; 1995. ICRC Fact Sheet 1-01-1995.
- Esam M.A. Hussein Edward J. Waller. Landmine Detection: The Problem and the Challenge For a shorter version of this article see: *Applied Radiation and Isotopes*, Volume 53, pp. 557-563, 2000.
- Final Document of the Second Review Conference of the States Parties to the CCW, Geneva, December 11-21, 2001, UN Doc. CCW/CONF.II/2, available at: <http://daccess-ods.un.org/TMP/3379048.html> (15 October 2011).

- Henigsberg N, Lagerkvist B, Matek Z, Kostovic I. War Victims in need of Physical Rehabilitation in Croatia. *Scandinavian Journal of Social Medicine* 1997; 25: 202-206.
- HRW, *Fatally Flawed: Cluster Bombs and Their Use by the United States in Afghanistan*, Vol. 14, No. 7 (G), December 2002.
- HRW, *Off Target: The Conduct of the War and Civilian Casualties in Iraq*, (Washington, DC: Human Rights Watch, 2003).par.2, <https://www.hrw.org/report/2003/12/11/target/conduct-war-and-civilian-casualties-iraq>.
- Hussein, E. M., & Waller, E. J. (2000). Landmine detection: the problem and the challenge. *Applied Radiation and Isotopes*, 53(4-5), 557-563.
- Newman, R. D., & Mercer, M. A. (2000). Environmental health consequences of land mines. *International Journal of Occupational and Environmental Health*, 6(3), 243-248.
- Walsh, N. E., & Walsh, W. S. (2003). Rehabilitation of landmine victims: the ultimate challenge. *Bulletin of the World Health Organization*, 81(9), 665-670.
- Power, S. (2002). *A Problem from Hell: America and Age of Genocide*, p. 72. Online-Book. <http://www.bookrags.com/studyguide-a-problem-from-hell/>
- Protocol on Explosive Remnant of War (Protocol V), 2003, available at:[http://www.unog.ch/8025_6EDD006B8954/\(httpAssets\)/5484D315570AC857C12571DE005D6498/\\$file/Protocol+Explosive+Remnants+of+War.pdf](http://www.unog.ch/8025_6EDD006B8954/(httpAssets)/5484D315570AC857C12571DE005D6498/$file/Protocol+Explosive+Remnants+of+War.pdf) (13 July 2011).
- Rabinovitch, Ryan (2004), "Universal Jurisdiction In Abstentia", *Fordham International Law Journal*, Vol.28, Issue 2. P. 523.
- Stover, E., Keller, A. S., Cobey, J., & Sopheap, S. (1994). The medical and social consequences of land mines in Cambodia. *Jama*, 272(5), 331-336.
- Stover, Eric (1991). «Asia Watch. Landmines in Cambodia: The Cowards War». Boston, MA: Physicians for Human Rights.
- *The Convention of Cluster Munitions: A Commentary*, 2010, op.cit., pp. 12-13, par. 0.22.
- The online version of landmine Monitor Report 2005, p. 725, www.icbl.org/lm/2005/-24k.
- The Ottawa Convention, The treaty was concluded on September 18, 1997, and opened for signature in Ottawa, Canada, from December 3-4, 1997. It entered into force on March 1, 1999.
- The Prosecutor v. Radovan Karadžić (case No. IT-95-5/18), <http://www.icty.org/case/karadzic>
- The Prosecutor v. Slobodan Milošević (Case No. IT 0475), <https://www.icty.org/case/milosevic>
- UN Department of Peacekeeping Operations (DPKO) United Nations, 37th Floor, New York, NY USA 10017

- United Nations Children's Fund (UNICEF) Landmines and Small Arms Team UNICEF House, New York, NY 10017, USA
 - United Nations Department for Disarmament Affairs (DDA) -United Nations, Room S-3170, New York, NY 10017, USA
 - United Nations Development Programme (UNDP) Mine Action Team One United Nations Plaza, 20th Floor, New York, NY 10017, USA
 - United Nations Office for Project Services (UNOPS) The Chrysler Building, 405 Lexington Avenue, New York, NY 10174, USA.
- 3-The Prosecutor v. Duško Tadić (Case No. IT-94-1), <https://www.icty.org/case/tadic>.